

## انواع جناس معنوی

### ۱- جناس اضمار

مُنْعَمَ الْجِسْمِ تَحْكِي الْمَاءَ رِقْتَهُ وَقَلْبَهُ قَسْوَةَ يَحْكِي أَبَا أَوْسٍ

### ۲- جناس اشاره

يا حمزة اسمح بوصل وامن علينا بقرب  
في ثفرک اسمک اضحی مصحفاً وبقلبی

### ۳- جناس تصحیف

شبهت دو یا بیشتر از دو رکن متجانس در خط

تخلى، تخلى، تجلى

### ۴- ازدواج

متجانس بودن دو لفظی که در کنار یکدیگر واقع شده اند.

من جدّ وجدّ

### ۵- سجع

اینکه حرف آخر دو فاصله در نثر مسجع با یکدیگر توافق داشته باشند.

انواع آن

سجع مطرف

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا

سجع مرصع

هو يطبع الأسجاع بجواهر لفظه يقرع الأسباع بزواجر وعظه

سجع متوازی

فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ



۶- موازنه

برابر بودن دو فاصله در وزن نه قافیه

وَنَمَارِقُ مَضْفُوفَةٌ وَزَرَائِي مَبْنُوتَةٌ

۷- ترصیع

هم وزن بودن الفاظ و همسان بودن حروف پایانی کلمات یا تقارب آن ها

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

۸- تشریح

ساختن یک بیت با دو قافیه به طوری که هنگام وقف بر هر یک از آن دو، معنای بیت صحیح باشد.

۹- لزوم ما لا یلزم (التزام به آنچه لازم نیست)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

۱۰- رد العجر علی الصدر (بازگرداندن پایان سخن به آغاز آن)

وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ

۱۱- ما لا یستحیل بالانعکاس

عبارت است از برعکس خواندن لفظ

و رِبِّكَ فَكَبَّرَ



۱۲- موارد

اینکه متکلم سخن خود را به گونه ای قرار دهد که نتواند با تحریف یا تصحیفی معنای آن را تغییر دهد.

لقد ضاع شعری علی بابکم کما ضاع عقدُ علی خالصة

۱۳- هماهنگی لفظ با لفظ

اینکه الفاظ یک عبارت در غرابت و تامل از یک سخن باشند.

تَاللّٰهِ تَفْتَأُ تَذَكَّرُ يُوَسِّفُ

۱۴- تسمیط

اینکه شاعر، بیت خود را بر چهار بخش تقسیم نماید که سه قسم از آن ها بر خلاف قافیه بیت، بر یک سجع باشند.

و حرب وردت و ثغر سددت و علج شدت علیه الجبالا

۱۵- انسجام یا سهولت

سالم بودن الفاظ از هر عیبی و سهولت معانی با استوار بودن آن دو و تناسب آن ها با یکدیگر

ما وهب الله لإمری هبة أفضل من عقل و من أدبه

۱۶- اکتفاء

اینکه شاعر چیزی از بیت را که به قرینه عقلی از ذکر آن بی نیاز است، حذف می کند.

فإنّ المنیة من یحشها فسوف تُصادمه أیها



۱۷- تطریز

اینکه ابتدای نثر یا شعر شامل سه اسم به معانی مختلف باشد و عجز و انتهای آن دارای صفت های آن اسم ها باشد که به یک لفظ تکرار شده است.

و تسقینی و تشریب من رحیق      خلیق أن یلقب بالخلوق  
کأن الکأس فی یدها و فیها      عقیق فی عقیق فی عقیق

